

## رابطه بین سرمایه فرهنگی و مشارکت در فعالیت های بدنی در بین زنان شهر یزد

مهربان پارسامهر<sup>۱</sup>، هادی میرزائیان منفرد<sup>۲</sup>، محمد رضا نیک نژاد<sup>۳</sup>، سید پویا رسولی نژاد<sup>۴</sup>

### چکیده

**مقدمه و هدف:** امروزه مشارکت زنان در فعالیت های مختلف اجتماعی بخشی از حقوق اجتماعی آنان تلقی می شود. مشارکت زنان در فعالیت های بدنی به دلیل تاثیرات عمده آن بر سلامت جامعه دارای اهمیت بسیاری است. در این پژوهش که با استفاده از نظریه سرمایه فرهنگی بورديو انجام گرفته، رابطه بین سرمایه فرهنگی و مشارکت در فعالیت های بدنی در بین زنان شهر یزد مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

**روش شناسی:** تحقیق حاضر از نوع پیمایشی بوده و داده ها با استفاده از ابزار پرسشنامه جمع آوری گردید. برای سنجش فعالیت بدنی از مقیاس فعالیت بدنی سبک زندگی سلامت محور و برای سنجش سرمایه فرهنگی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه زنان بین سنین ۱۵ تا ۲۵ سال شهر یزد در سال ۱۳۹۳ بوده که طبق فرمول کوکران، ۴۸۵ نفر از آن ها به عنوان نمونه انتخاب شدند.

**یافته ها و نتیجه گیری:** یافته ها نشان داد بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده) و مشارکت زنان در فعالیت های بدنی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، به طوری که هرچه سرمایه فرهنگی زنان بالاتر برود، مشارکت آن ها در فعالیت های بدنی نیز بیشتر می شود. همچنین تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که متغیرهای وضعیت تاهل و وضعیت اشتغال در مرحله اول و متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته در مرحله دوم، بیش از ۲۷ درصد از تغییرات مشارکت زنان در فعالیت های بدنی را تبیین می کنند. یافته های این تحقیق همسو با نظریات بورديو نشان داد که تقویت و افزایش سرمایه فرهنگی زنان به فعالیت بیشتر آن ها در فعالیت های بدنی منجر خواهد شد.

**واژه های کلیدی:** سرمایه فرهنگی، مشارکت، فعالیت بدنی، زنان، یزد.

۱. دانشیار جامعه شناسی دانشگاه یزد ایمیل: parsamehr@yazd.ac.ir

۲. نویسنده مسئول) کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه یزد ایمیل: hadimirzaei.m@gmail.com

۳. دکترای مدیریت و برنامه ریزی ورزشی دانشگاه بوعلی سینا همدان ایمیل: neek\_m2008@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه یزد ایمیل: puya\_rasulinejad@yahoo.com



## مقدمه

ورزش پدیده ای اجتماعی- فرهنگی است که پیوندی اندام وار با مجموعه نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد. نگرش علمی به پدیده ورزش تنها از رهگذر علوم طبیعی مانند بیومکانیک، بیوشیمی، فیزیولوژی و ... صورت نمی گیرد، بلکه باید از علوم اجتماعی نیز به ویژه در هنگام بررسی ابعاد و جنبه های انسانی ورزش و موضوعات آن کمک گرفت؛ زیرا ورزش یکی از گونه های برجسته فعالیت انسان است که تنها از رهگذر افراد و گروه ها و چارچوب های اجتماعی، با همه درون مایه ها و برون داده های آن زمینه پیدایش می یابد. از این رو برخی از نویسندگان با برگزیدن رویکردی میان رشته ای به تحلیلی درباره فعالیت های ورزشی اقدام کرده اند. جامعه شناسی ورزش به عنوان دانشی نوپا در طی چند دهه اخیر شکل گرفته است و سعی دارد جنبه های گوناگون ورزش را در پرتو نظریه ها و مباحث جامعه شناسی و از خلال پژوهش های تجربی تجزیه و تحلیل کند. این قلمرو از جامعه شناسی ماهیتی انتقادی دارد و در بسیاری از موارد باورهای عمومی را که در جهت مشروعیت دادن به ارزش ها و باورهای ورزشی به کار می روند به چالش می کشد. در جهان امروز با وجود گسترش ارتباطات و تاثیر گسترده رسانه های ارتباطی همچنان جوامع از نظر فرهنگی از هم متمایز هستند و ورزش نیز به عنوان پدیده ای اجتماعی هم از عوامل فرهنگی و اجتماعی آن جامعه تاثیر می گیرد و هم بر آن تاثیر می گذارد (۱).

ورزش به عنوان یکی از فعالیت های فراغتی از نوع فعال، نقش تعیین کننده ای در حفظ سلامت جسمی و روحی انسان ها دارد. داشتن زندگی سالم مستلزم تحرک و فعالیت های ورزشی است که این موضوع بارها در پژوهش های مختلف بیان شده است. آگاهی افراد از تاثیرات مطلوب فعالیت های ورزشی بر دستگاه های مختلف بدن، موجب شده تا گرایش به این امر روز به روز افزایش یابد (۲). فعالیت بدنی همواره جزء مکملی از زندگی فرد و خانواده در طی اعصار و تمدنهای گوناگون انسان بوده و هست. همچنین در ارتباطات خانوادگی و فعالیتهای گوناگون اجتماعی سهم بسزایی داشته و از رهگذر فعالیتهای تفریحی و اوقات فراغت و برگزاری مراسم آیینی چند منظوره، برای اعضای خانواده خرسندی، لذت و شادی به ارمغان آورده است و نیز در ایجاد امنیت و آسایش روانی و اجتماعی برای افراد و جوامع و تامین بهداشت و سلامتی و زندگی سالم - بعنوان یکی از دستاوردهای فعالیت بدنی- تاثیر ارزنده ای گذاشته است (۳). فعالیت بدنی را باید به عنوان پدیده ای که پیوندی اندام وار با سایر نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد، در نظر گرفت. هنگامی که می خواهیم ورزش را به مثابه یک پدیده اجتماعی فراگیر و پویا مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم و ارتباط آن را با محیط بیرونی و فرهنگ اجتماعی بسنجیم، ناگزیر هستیم از علم جامعه شناسی، اصول و روش های آن استفاده نماییم.

یکی از مسائل اساسی در حوزه ورزش که نیاز به بررسی و مطالعه جدی دارد، میزان پایین مشارکت زنان در فعالیت های بدنی و عوامل و متغیرهای موثر بر آن است. فرصت های زنان در حوزه ورزش قابل مقایسه با مردان نیست. به دلایل فراوانی که اغلب آن ها فرهنگی- اجتماعی هستند، زن در طول تاریخ فرصت کافی پیدا نکرده است تا شایستگی خود را برای مشارکت فعال در ورزش به اثبات برساند؛ زیرا مرزهایی در برابر زن نهاده شده که این مرزها را نقش های اجتماعی او، به عنوان موجود مونث ترسیم کرده است (۴). در اکثر جوامع فعالیت های ورزشی به صورت سنتی مختص مردان تعریف شده و امکانات ورزشی بیشتر به آن ها اختصاص می یابد؛ ورزش اساسا یک فعالیت مبتنی بر جنسیت است، فعالیتی که نه تنها برای مردان و پسران روی خوش نشان می دهد، بلکه ارزش ها و مهارت هایی را که به روشنی مردانه تلقی می شوند ترویج می نمایند (۵). میلر و راسل می گویند چند

پرسش پیرامون رابطه زنان با ورزش طرح شده و پاسخ هایی به آن ها داده شده است که در این پاسخ ها به کارکردهای فیزیولوژیکی و ساختارهای کالبدی و نیز تعادل روانی زن، آداب اجتماعی، آمادگی جسمانی و حجب و حیای زنانگی توجه شده است. اغلب این عوامل مانع از آن شده اند که زن بتواند با بهره مندی از حقوق کاملا برابر با مردان، به مشارکت همه جانبه در ورزش اقدام کند. در ایران حدود ۱۳ درصد زنان ورزش می کنند، در حالی که در میان مردان این رقم به ۸۷ درصد می رسد (۱).

مشارکت در ورزش و به طور خاص مشارکت زنان در فعالیت های بدنی، آبخوری اجتماعی دارد و پدیده ای خودبسنده نیست. از جمله مولفه های جامعه شناختی که به نظر می رسد در مشارکت زنان در فعالیت های بدنی موثر واقع می شود، سپهر فرهنگی است که از دریچه سرمایه فرهنگی در فرد تبلور و حضور می یابد. فرهنگ معنای وسیعی دارد و عبارت است از هر آنچه که در جامعه ای معین کسب می کنیم، می آموزیم و می توانیم انتقال دهیم. مولفه های فرهنگ پیوسته دستخوش تغییرند. در صورتی که مشخصه ها یا پارامترها دچار تغییرات چشمگیر شوند، تحول رخ می دهد. تغییر باورها، ارزش ها، هنجارها و نیز ساختارهای انسانی در دوره های مختلف تاریخ گویای تحولات فرهنگی است. با گسترش ارتباطات و انتقال یافته ها بین جوامع، تحولات فرهنگی بسیار سریع تر شده است (۶). در این میان مقوله علم، دانش و آگاهی از مهم ترین متغیرهای فرهنگی فرد و خانواده در نظر گرفته می شود (۷). فرهنگ، شامل کلیه ساخته ها، پرداخته ها، اندوخته ها، آداب و رسوم، مقررات و عقاید، هنر و دانستنی های عامه است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. از این روست که بسیاری از دیدگاه های فرهنگی چنین ادعا می کنند که آنچه انسان فکر می کند، احساس می کند و انجام می دهد، به وسیله قالب ها و چارچوب های فرهنگی تعیین می شود (۸). از این دیدگاه، به دلیل اینکه فرهنگ عامل وحدت بخش ارزش های اجتماعی، نظم بخش رفتارهای افراد و تقویت کننده همکاری و روابط بین آدمیان به شمار می رود، می توان چنین فرض کرد که فرهنگ و متغیرهای فرهنگی عامل موثری در بروز و ظهور رفتارهای افراد به طور عام و مشارکت در فعالیت های بدنی به طور خاص است.

در خصوص تئوری سرمایه فرهنگی بوردیو (۱۹۸۴)، نخست با تعریفی از واژه سرمایه مواجه می شویم که تاکید بر این امر دارد که مولد است و «شما را قادر می سازد تا ارزشی را به وجود آورید، کاری انجام دهید، به هدفی نائل شوید، ماموریتی را در زندگی انجام دهید و نقشی در جهان ایفا کنید» (۹). سرمایه از نظر بوردیو به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می شود که فرد می تواند در جامعه به صورت انتسابی یا اکتسابی به دست آورده، از آن در روابطش با سایر افراد و گروه ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره برد. بوردیو تاکید می کند که سرمایه نباید به عنوان یک منبع صرفا مادی (نظیر ثروت مادی) در نظر گرفته شود، بلکه سرمایه می تواند نمادین (منزلت و احترام) و فرهنگی (قابلیت ها و دانش فرهنگی فرد) باشد. توزیع همه شکل های سرمایه، نابرابر است و در ساختارهای طبقاتی ریشه دارد (۱۰).

به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی به «صورت هایی از دانش، مهارت ها، آموزش و مزایایی که هر فردی واجد آن است و به او اجازه می دهد که جایگاه بالاتری در جامعه کسب کند»، گفته می شود. سرمایه فرهنگی از منظر بوردیو عبارت است از شناخت و ادراک فرهنگ و هنرهای متعالی، داشتن ذائقه خوب و شیوه های عمل متناسب (۱۱). به نظر وی، سرمایه فرهنگی «برآیند ترکیبی از سرمایه اقتصادی و به کارگیری عادت واره ها است» (۱۲). فرهنگ به عنوان یک سرمایه قابل انتقال در دیدگاه بوردیو، «شامل عادات و منش، مشرب و خلق و خوی فرهنگی

ای است که از خانواده به فرزندان منتقل می‌شود و لذا گویی به ارث می‌رسد» (۱۳). پدران به فرزندان خود، با انتقال نگرش‌ها و معرفت‌هایی که در سیستم آموزشی جاری به موفقیت آنان کمک می‌کند، سرمایه فرهنگی می‌بخشند (۱۴). سرمایه فرهنگی «علاوه بر طبقه اجتماعی، پیشینه خانوادگی، تعهد به پیشرفت تعلیم و تربیت و نظایر آن‌ها را در بر می‌گیرد» (۱۵، ۱۶). بنابراین در نظر بوردیو سرمایه فرهنگی، وجهی اکتسابی نیز دارد. به طور کلی می‌توان گفت که سرمایه فرهنگی به عنوان یک دارایی تعریف می‌شود که (علاوه بر هرگونه ارزش اقتصادی که می‌تواند داشته باشد) مجسم‌کننده، ذخیره‌کننده یا تأمین‌کننده ارزش فرهنگی است (۱۷).

بر این اساس، نظریه سرمایه فرهنگی که به صورت مادی و غیرمادی در اختیار فرد قرار می‌گیرد، دامنه فرصت‌ها، انتخابات و اختیارات بیش‌تری در اختیار فرد قرار می‌دهد و او را نسبت به اندیشه‌های نو‌پذیرتر می‌کند. سرمایه فرهنگی عبارت از گرایش‌ها و عادات دیرپایی است که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را شامل می‌شود (۱۸). سرمایه فرهنگی فرد را نسبت به تأثیرات مثبت ورزش آگاه‌تر می‌کند و دیدگاه بازتری نسبت به ورزش و مشارکت در فرد به وجود می‌آورد. پس سرمایه فرهنگی در افزایش یا کاهش مشارکت ورزشی تأثیرگذار است (۱).

به نظر می‌رسد در خصوص مشارکت در فعالیت بدنی، مطالعات کمتری با بهره‌گیری از نظریه سرمایه فرهنگی صورت گرفته است. بنابراین، با تأثیر شگرفی که نوع سرمایه فرهنگی افراد در تعیین مشارکت آنان در فعالیت بدنی دارد، توجه به این نوع تأثیرات می‌تواند روزنه دیگری را برای تبادل افکار و نظرها در خصوص سرمایه فرهنگی و مشارکت در فعالیت بدنی فراهم سازد. قدسی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر میزان مشارکت دانشجویان دختر دانشگاه بوعلی سینا در فعالیت‌های ورزشی» به این نتیجه دست یافتند که بین متغیرهای سرمایه فرهنگی و مشارکت ورزشی رابطه معناداری وجود دارد (۱). همچنین نتایج پژوهش نقدی و همکاران (۱۳۹۰) حکایت از میزان سرمایه فرهنگی بیشتر زنان ورزشکار نسبت به زنان غیر ورزشکار دارد (۱۹). ذکایی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «جوانان، بدن و فرهنگ تناسب» با اتکا به یافته‌های کمی و کیفی جوانان دختر و پسر فعال ورزشی، به دنبال شناخت رابطه و احساس این دسته از جوانان نسبت به بدن خود و زمینه‌ها و انگیزه‌های موثر بر توجه جدی آنها به تناسب اندام است. نتایج به دست آمده، بیانگر این است که نوگرایی در جامعه ایران تأثیرات خود را در حساسیت جوانان به کنترل و انضباط بر بدن خویش و حساسیت بیشتر برای ارائه تصویری مطلوب از آن بر جای گذاشته است (۲۰). در بین منابع موجود، صدیق سروستانی (۱۳۸۳) نشان داد که افراد با سرمایه فرهنگی بالا، با بدن همانند «غایت فی‌نفسه» رفتار می‌کنند و در ورزش‌های مرتبط با سلامتی شرکت دارند، در حالی که افراد طبقات کارگری که اغلب دارای سرمایه فرهنگی پایین هستند، رابطه ابزاری با بدن داشته و اغلب به ورزش‌های سخت مانند بوکس، کشتی و ... گرایش دارند (۲۱). آقاعلی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۴) بین میزان فعالیت بدنی با سرمایه فرهنگی آزمودنی‌ها، رابطه معناداری نیافتند (۲۲). پارسامهر (۱۳۸۶) نیز نشان داد که متغیرهای حمایت اعضای خانواده، تشویق بهترین دوستان، تشویق معلمان و اساتید و خود اثربخشی، مشارکت زنان در فعالیت بدنی را تبیین می‌کنند (۲۳).

در ضمن برخی پژوهشگران (۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹) میزان تحصیلات شرکت‌کنندگان در ورزش را گزارش کرده‌اند. در میان این گزارش‌ها بیشترین میزان مشارکت در افراد با تحصیلات دیپلم و زیردیپلم و کمترین میزان مشارکت در افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد به بالا گزارش شده است. لازم به ذکر است جامعه آماری و روش

انتخاب نمونه آماری اکثر تحقیقات فوق مناسب نبوده و نمی توان این نتایج را به جوامع دیگر تعمیم داد. از طرفی نتایج تحقیق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) مخالف نتایج فوق است، زیرا با افزایش میزان تحصیلات مشارکت افراد نیز بیشتر می شود (۳۰). به علاوه عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) و حیدری چروده (۱۳۸۹) بیشترین میزان گرایش و نگرش به ورزش را در سطوح تحصیلات بالا گزارش کرده اند (۳۲،۳۱). پژوهش های گراتون و تاسین (۱۹۹۱) و کولتر و همکاران (۱۹۹۵) علاوه بر بیان ارتباط قوی بین سطح تحصیلات و شرکت در ورزش، نشان می دهد افرادی که به صورت تمام وقت تحصیل می کنند، بیشترین میزان مشارکت در فعالیت های ورزشی را دارند (۳۳). گرین و هبرون در پژوهش های خود نشان دادند که دوستان زنان در مشارکت آنها در فعالیت های اوقات فراغت نقش بسیار مهمی دارند. علاوه بر این، فقدان تایید اجتماعی (که می تواند از طرف دوستان، اعضای خانواده یا افرادی که به نوعی می توانند دلایلی بر فقدان تایید آن فعالیت ارائه دهند و فرد را در انجام دادن آن همراهی نکنند) نیز می تواند در بازداشتن زنان از مشارکت در فعالیت های ورزشی، مهم به حساب آید. کنترل اجتماعی زندگی زنان به وسیله شوهرانی که فعالیت آن ها را تشویق و ترغیب نمی کنند و یا به روش های مختلف مشارکت زنان را در فعالیت های مورد علاقه شان با دشواری مواجه می کنند، نیز از این نوع عوامل به شمار می رود (۳۴). احسانی و همکاران (۱۹۶۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زنان برای فعالیت جسمانی، موانع بیش تری نسبت به مردان دارند. نتایج این پژوهش، علل حضور نیافتن زنان را در فعالیت های ورزشی، نداشتن یار کافی برای مشارکت در فعالیت های ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسایل نقلیه و ناتوانی جسمی بیان کرده است. اعلام فقدان اطلاع رسانی کافی به عنوان بازدارنده و این مسئله که در زنان با تحصیلات بالاتر، موانع کم تری به عنوان مشکل وجود دارد نیز از نتایج دیگر این پژوهش است. (۳۴)

تحقیقات انجام شده نشان دهنده اهمیت و ضرورت بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و مشارکت در فعالیت های بدنی است، به دلیل اینکه هیچ یک از منابع موجود، رابطه این دو متغیر را بررسی نکرده و اکثر آنها فقط میزان تحصیلات شخص شرکت کننده در فعالیت ورزشی را بررسی کرده اند که معرف جامع و کاملی برای سرمایه فرهنگی نیست. در ضمن جامعه آماری برخی از تحقیقات فوق شامل همه افراد شرکت کننده در فعالیت های بدنی است. از این رو پژوهشی ضرورت می یابد که به صورت اختصاصی به بررسی رابطه سرمایه فرهنگی با مشارکت در فعالیت های بدنی در بین زنان بپردازد.

فعالیت بدنی و ورزش، موقعیتی را برای زنان به وجود می آورد که در آن شرایط، زنان از مشکلات زندگی دور شده و در فاصله های متناوب و کوتاه مدت فرصتی پیدا می کنند تا تجارب شاد و خوشایندی را به دست آورند. از آنجائی که نیمی از جمعیت کشورها را زنان تشکیل می دهند، سلامت آنان به عنوان تربیت کننده نسل های آینده جهت ایفای نقش های فردی، اجتماعی و خانوادگی دارای اهمیت بسیاری است. با افزایش فعالیت های بدنی زنان، خطرات ابتلا به بیماری های قلبی - عروقی در میان آنان کاهش یافته، مصونیت آن ها در برابر بیماری ها بالاتر رفته که می تواند سلامت روانی و نیز کیفیت زندگی آنان را بهبود بخشد (۳۵). لذا با پرداختن به نقش سرمایه فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در فعالیت های بدنی، می توان زمینه های لازم برای حضور بیشتر آنان در فعالیت های بدنی را فراهم نمود. بنابراین با توجه به مفهوم سرمایه فرهنگی که هم دارای ابعاد ذهنی و هم ابعاد عینی است و هم یک مفهوم فردی و اجتماعی می باشد، پژوهش حاضر پیرامون این مسئله انجام شده است که آیا بین

سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت زنان در فعالیت های بدنی رابطه وجود دارد؟ و اینکه سرمایه فرهنگی تا چه اندازه مشارکت زنان در فعالیت های بدنی را تبیین می کند؟

### روش شناسی

روش پژوهش حاضر پیمایشی و از طرح تحقیق مقطعی می باشد که در آن برای گردآوری داده ها از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه زنان بین سنین ۱۵ تا ۲۵ سال شهر یزد در سال ۱۳۹۳ می باشد. برای انتخاب حجم نمونه از شیوه نمونه گیری خوشه‌ای متناسب (PPS) استفاده شده است که با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد، تعداد ۴۸۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شدند. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده با کمک نرم‌افزار SPSS از آماره های توصیفی و استنباطی (آزمون تی گروه های مستقل، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) استفاده شده است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه تحقیق از اعتبار صوری و اعتبار محتوا استفاده شد. همینطور برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده گردید. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش برای دستیابی به اهداف تحقیق، به قرار زیر است:

پرسشنامه جمعیت‌شناختی: پاسخگویان از طریق این پرسشنامه اطلاعات خود را در مورد سن، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال و میزان درآمد گزارش کردند.

سرمایه فرهنگی: به اعتقاد تراسبی (۱۳۸۲)، «سرمایه فرهنگی نوعی دارایی است که مجسم کننده، ذخیره کننده یا تامین کننده ارزش های فرهنگی، علاوه بر هرگونه ارزش اقتصادی است» (۳۶). این سرمایه در سه مقوله سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده قابل مطالعه است.

سرمایه فرهنگی تجسم یافته: نوعی ثروت بیرونی است که به عنوان بخش جدایی ناپذیری از فرد درآمده است. این همان بخشی است که بورديو آن را ابعاد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می نامد که نمی توان آن را از طریق هدیه، خرید یا مبادله به دیگری منتقل نمود. این نوع سرمایه، به صورت آمادگی های مداوم ذهن و جسم تلقی می گردد (۹). این سرمایه می تواند با سرمایه گذاری زمان در شکل یادگیری افزایش یابد. این سرمایه در فرد عجین شده، نوعی از رفتار فرد می شود و بنابراین، نمی تواند به طور آنی انتقال یابد (۳۷).

سرمایه فرهنگی عینیت یافته: این سرمایه از بدیهی ترین و آشکارترین نوع سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می توانند از آن بهره مند شوند. سرمایه فرهنگی عینیت یافته بیشتر به شکل کالاهای فرهنگی و اشیای مادی و رسانه هایی نظیر مجله ها، نقاشی ها، مجسمه ها، تصاویر، کتاب ها، لغت نامه ها، ابزارها، ماشین آلات و غیره تجسم می یابد و از ویژگی های بارز آن، قابل انتقال بودن است. این سرمایه به نوعی در شکل اقتصادی هم مطرح است و نیز می تواند جنبه نمادی آن حفظ شود. به طور خلاصه، به همه اشیا و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می گویند، اما خصلت اساسی این سرمایه در این است که بر دارندگان آن اثر آموزشی می گذارد (۳۸).

سرمایه فرهنگی نهادینه شده: به قوانین و مقررات نهادینه شده اطلاق می شود که برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می کند. لازمه سرمایه فرهنگی نهادی، قبل از هر چیز، وجود افراد باصلاحیت و مستعد در جهت انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر، مستلزم وجود نهادهای رسمی است که هم این مدارک تحصیلی را صادر کنند و هم به آن رسمیت بخشند. از ویژگی های بارز این سرمایه، این است که به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ عمل می کند و این توانایی را دارد که سرمایه فرهنگی را از طریق کاربرد آن به طرق معقول و رسمی، به نوعی سرمایه اقتصادی تبدیل نماید (۳۸).

محاسبه پایایی مقیاس سرمایه فرهنگی در ایران توسط علی بابایی و باینگانی (۱۳۸۸) صورت پذیرفت که میزان آلفای بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته ۷۷٪، سرمایه فرهنگی عینیت یافته ۶۲٪، سرمایه فرهنگی نهادینه شده ۶۰٪ و خود سرمایه فرهنگی به عنوان شاخص کل ۶۶٪ به دست آمد (۳۹). همچنین در تحقیق دلیری هروی و عباس زاده (۱۳۹۱) میزان آلفای سرمایه فرهنگی برابر با (۰/۷۵) به دست آمد (۴۰). در تحقیق کارکنان نصرآبادی و همکاران (۱۳۹۱) نیز میزان آلفای سرمایه فرهنگی برابر با (۰/۸۷) به دست آمد (۱۷) که نشان دهنده همبستگی درونی بین گویه هاست.

پرسشنامه فعالیت بدنی: پرسشنامه سبک زندگی سلامت محور (HPLPII)<sup>۱</sup> که شامل ۲۴ سوال بوده، ۶ بعد این سبک زندگی را مورد بررسی قرار می دهد. در این پژوهش سوالات بعد فعالیت بدنی (۴ گویه) مورد استفاده قرار گرفته است. نمره گذاری سوالات به صورت ۴ گزینه ای در مقیاس لیکرت می باشد. این سوالات با گزینه های خیلی زیاد، زیاد، کم و خیلی کم سنجیده شده است. پایین ترین نمره ممکن در فعالیت بدنی ۴ و بالاترین نمره ممکن ۱۶ می باشد و دامنه نمرات به دست آمده به سه گروه فعالیت بدنی پایین، متوسط و بالا تقسیم می شود. جهت بررسی پایایی این ابزار از همسانی درونی استفاده شد که برای مولفه فعالیت بدنی، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ محاسبه گردید که حکایت از مطلوبیت ابزار داشت.

#### یافته ها:

از مجموع ۴۸۵ پاسخگوی این تحقیق، ۷۱/۶ درصد را زنان متأهل و ۲۸/۴ درصد را مجردها تشکیل داده اند. از نظر سطح سواد، بیشتر پاسخگویان (بالای ۶۰ درصد) تحصیلاتی بالاتر از دیپلم داشته اند. ۱۲/۱ درصد پاسخگویان تحقیق شاغل و مابقی خانه دار بوده اند. یافته ها همچنین نشان داد که میانگین مشارکت روزانه زنان در فعالیت های بدنی ۱/۶۳ ساعت می باشد. ۵۶/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از یک ساعت و تنها ۶ درصد از آنان بیشتر از سه ساعت در فعالیت های بدنی شرکت می کنند.

#### (جدول شماره ۱): توزیع فراوانی و درصدی میزان مشارکت زنان در فعالیت های بدنی

درصد	فراوانی	میزان مشارکت در فعالیت های بدنی
۵۶/۱	۲۷۲	کمتر از یک ساعت
۲۷/۳	۱۳۵	بین یک تا دو ساعت
۱۰/۱	۴۹	بین دو تا سه ساعت
۶	۲۹	بیشتر از سه ساعت

به منظور مقایسه دقیق تر میانگین سرمایه فرهنگی و همچنین میزان مشارکت در فعالیت های بدنی در بین زنان مجرد و متأهل از آزمون تی مستقل استفاده شده است.



(جدول شماره ۲): مقایسه میانگین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن و مشارکت در فعالیت های بدنی در بین زنان مجرد و متأهل

متغیرها	مقولات	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی داری
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	متأهل	۶/۸۵	۱/۶۸۶	۷۱/۲۰۴	۴۸۳	۰/۰۰۱
	مجرد	۶/۶۴	۱/۶۷۸			
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	متأهل	۷/۳۵	۱/۶۱۹	۹۷/۱۹۷	۴۸۳	۰/۰۰۱
	مجرد	۷/۱۹	۱/۵۸۶			
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	متأهل	۸/۶۴	۱/۶۹۱	۹۹/۱۲۳	۴۸۳	۰/۲۱۵
	مجرد	۸/۵۸	۱/۶۸۳			
شاخص کل	متأهل	۷/۱۹	۱/۶۱۴	۸۵/۱۴۲	۴۸۳	۰/۰۰۱
	مجرد	۷/۰۸	۱/۶۵۴			
مشارکت در فعالیت های بدنی	متأهل	۸/۹۶	۱/۸۹۷	۸۹/۲۳۶	۴۸۳	۰/۰۰۱
	مجرد	۹/۳۳	۲/۰۳۱			

اطلاعات جدول بالا نشان می‌دهد در مجموع میانگین میزان سرمایه فرهنگی در بین زنان متأهل (۷/۱۹) بیشتر از زنان مجرد (۷/۰۸) بوده است. در مولفه سرمایه فرهنگی نهادینه شده تفاوت معنی داری بین افراد مجرد و متأهل وجود نداشت ( $P > ۰/۰۵$ ) ولی افراد متأهل در مولفه های سرمایه فرهنگی تجسم یافته و سرمایه فرهنگی عینیت یافته از سرمایه فرهنگی بالاتری برخوردار هستند ( $P < ۰/۰۵$ ). همچنین میانگین میزان مشارکت در فعالیت های بدنی در بین زنان مجرد (۹/۳۳) بیشتر از زنان متأهل (۸/۹۶) بوده است. فرضیه اصلی تحقیق این بود که بین میزان سرمایه فرهنگی زنان و میزان مشارکت آن ها در فعالیت های بدنی رابطه معناداری وجود دارد.

**(جدول شماره ۳): ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین سرمایه فرهنگی و مؤلفه های آن با**

**مشارکت در فعالیتهای بدنی**

متغیرها و ابعاد	مشارکت در فعالیت های بدنی	سرمایه فرهنگی تجسم یافته	سرمایه فرهنگی عینیت یافته	سرمایه فرهنگی نهادینه شده
سرمایه فرهنگی تجسم یافته	۰/۵۱۴***			
سرمایه فرهنگی عینیت یافته	۰/۲۱۶***	۰/۳۱۸***		
سرمایه فرهنگی نهادینه شده	۰/۴۳۲***	۰/۱۱۷***	۰/۲۲۱	
سرمایه فرهنگی	۰/۳۶۸***	۰/۱۸۹	۰/۳۰۳***	۰/۴۸۵***

بر اساس اطلاعات جدول بالا بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مشارکت زنان در فعالیت های بدنی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه میزان سرمایه فرهنگی و مولفه های آن در بین زنان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در فعالیت های بدنی بالاتر خواهد بود. در بین ابعاد سرمایه فرهنگی، بعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته بالاترین همبستگی را با مشارکت در فعالیت های بدنی دارد. همچنین بعد سرمایه فرهنگی نهادینه شده قوی ترین و سرمایه فرهنگی تجسم یافته کمترین همبستگی را با سرمایه فرهنگی دارد.

به منظور ارزیابی قدرت تبیین متغیرهای پیش بین مطرح شده در این پژوهش، از روش تحلیل خطی چند متغیره، به روش سلسله مراتبی استفاده شده است. رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی میزان مشارکت زنان در فعالیت های بدنی، به کمک دو گروه از متغیرها صورت گرفت.

**(جدول شماره ۴): خلاصه مدل رگرسیون سلسله مراتبی همراه با ضریب تعیین، ضریب تعیین**

**تعدیل شده، F و P**

الگو	R همبستگی	R <sup>2</sup> تعیین	R <sup>2</sup> (Ad) ضریب تعیین شده	خطای برآورد	تغییرات ضریب تعیین R	F	P
۱	۰/۳۹۵	۰/۱۵۶	۰/۱۲۶	۰/۷۱۵	۰/۱۵۲	۳/۵۴۳	۰/۰۰۲***
۲	۰/۵۸۴	۰/۳۴۱	۰/۲۷۲	۰/۶۴۶	۰/۱۹۳	۵/۵۸۱	۰/۰۰۰***

؛ \*\*\* P < ۰/۰۰۱؛ \*\* P < ۰/۰۱

\* P < ۰/۰۵

(جدول شماره ۵): مدل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی متغیر مشارکت در فعالیت

های بدنی

مدل دوم				مدل اول				متغیر
P	T	SE	B	P	T	SE	B	
۰/۹۷۲	۰/۰۴۶	۰/۱۴۱	-۰/۰۰۶	۰/۱۴۹	-۱/۴۳۸	۰/۱۴۳	-۰/۱۴۱	سن
۰/۱۲۴	۰/۴۸۲	۰/۱۶۴	۰/۱۶۲	۰/۰۰۲	۲/۰۱۴	۰/۳۰۲	۰/۲۹۸	وضعیت تاهل
۰/۰۰۶	۲/۷۸۲	۰/۱۴۹	۰/۲۳۱	۰/۰۰۱	۳/۳۸۴	۰/۱۶۰	۰/۳۱۲	وضعیت اشتغال
۰/۲۳۳	۱/۲۱۶	۰/۰۴۳	-۰/۱۴۰	۰/۰۲۳	-۲/۳۸۱	۰/۰۴۱	-۰/۲۷۷	تحصیلات
۰/۱۷۵	۱/۳۸۱	۰/۰۷۷	۰/۱۲۶	۰/۲۵۷	۰/۹۳۲	۰/۰۸۳	۰/۰۹۱	درآمد
۰/۰۰۲	۱/۷۸۵	۰/۱۲۴	۰/۲۸۷					سرمایه فرهنگی تجسم یافته
۰/۴۱۸	۰/۳۷۱	۰/۱۲۱	۰/۱۴۲					سرمایه فرهنگی عینیت یافته
۰/۵۰۲	۰/۵۲۴	۰/۱۱۲	۰/۰۶۲					سرمایه فرهنگی نهادینه شده
۰/۲۷۲				۰/۱۲۶				Adjusted R2
۴۸۵				۴۸۵				N

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مرحله اول (سن، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، تحصیلات و درآمد)، با مقدار ( $F = ۳/۵۴۳$ ;  $P < ۰/۰۱$ ;  $Adj. R^2 = ۰/۱۲۶$ ) توانستند ۱۲/۶ درصد از واریانس متغیر تحت مطالعه (میزان مشارکت در فعالیت های بدنی) را تبیین نمایند. از بین این متغیرها، متغیرهای وضعیت تاهل با مقدار ( $B = ۰/۲۹۸$ ,  $P < ۰/۰۱$ ) و وضعیت اشتغال با مقدار ( $B = ۰/۳۱۲$ ,  $P < ۰/۰۱$ ) سهم معنی داری را در تبیین واریانس متغیر میزان مشارکت در فعالیت های بدنی داشته اند. در مرحله دوم و با اضافه کردن متغیرهای پیش بین اصلی، این متغیرها با مقدار ( $F = ۵/۵۸۱$ ,  $P < ۰/۰۰۱$ ;  $Adj. R^2 = ۰/۲۷۲$ ) توانستند ۲۷/۲ درصد از واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند. متغیر سرمایه فرهنگی تجسم یافته با مقدار: ( $P < ۰/۰۱$ ;  $B = ۰/۲۸۷$ ) توانسته است سهم معنی داری را در تبیین واریانس متغیر میزان مشارکت در فعالیت های بدنی داشته باشد. در مجموع متغیرهای مرحله اول و دوم توانستند با مقدار ( $F = ۵/۵۸۱$ ,  $P < ۰/۰۰۰$ ;  $Adj. R^2 = ۰/۲۷۲$ ) و ( $Total R^2 = ۰/۳۴۱$ ) حدود ۲۷/۲ درصد از واریانس متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که مدل رگرسیون معنی دار است.

**بحث و نتیجه‌گیری:**

مشارکت در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی همواره واجد اهمیت بوده و متفکران در حوزه ها و ابعاد گوناگون آن را بررسی کرده اند. تئوری های بسیاری در باب آن تدوین شده و پژوهش های تجربی بسیاری بر محور آن انجام شده است. مباحث مشارکت به خصوص زمانی که مربوط به جنسیت زنان می شود از اهمیت ویژه ای برخوردار می گردد. ورزش به طور سنتی امری «مردانه» تعریف می شود و برای حضور زنان در این عرصه موانع فرهنگی،

اجتماعی، سازمانی و ... بسیاری وجود دارد. این تحقیق با پرسش اساسی رابطه بین سرمایه فرهنگی زنان و میزان مشارکت آن ها در فعالیت های بدنی چیست؟ آغاز شد و بر اساس تئوری های مرتبط، به بررسی این رابطه پرداخت. در این بررسی بر اساس تئوری بوردیو، سرمایه فرهنگی گرایش ها و عادات دیرپا که در طی فرایند جامعه پذیری حاصل می شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیت های تحصیلی و فرهیختگی را شامل می گردد (۱۸). همچنین زمینه اجتماعی و زمینه خانوادگی در دستیابی به سرمایه فرهنگی تاثیر دارند و سرمایه فرهنگی نیز بر دستاوردهای علمی و شغلی موثرند. برخورداری از نظرها و عقاید شخصی نیز ثمره تحصیلات و مهارت های اکتسابی فرد است (۱۹).

نتایج حاصل از این پژوهش حکایت از این داشت که بین سرمایه فرهنگی و مولفه های آن با مشارکت زنان در فعالیت های بدنی رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد، بطوری که با افزایش میزان سرمایه فرهنگی و مولفه های آن در بین زنان، میزان مشارکت آن ها در فعالیت های بدنی افزایش پیدا می کند. بیشتر پاسخگویان مشارکت نسبتاً ضعیفی در فعالیت های بدنی داشتند. میزان پایین فعالیت بدنی زنان را تحقیقات بسیاری تایید کرده اند. برای مثال بررسی ها در مینه سوتا (۱۹۹۸) نشان داده است که فعالیت های ورزشی در زنان به طور قابل ملاحظه ای پایین است، فعالیت های ورزشی در زنان کمتر از مردان می باشد و این فعالیت ها با افزایش سن کاهش می یابند (۴۱). فوکس و ریچاردز (۲۰۰۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مردان به طور کلی نسبت به زنان مشارکت بیشتری در فعالیت های بدنی و فراغتی دارند. از دیگر نتایج تحقیق آنان این بود که زنان تنها در رشته هایی مانند یوگا و شنا بیشتر از مردان مشارکت دارند و در سایر رشته های ورزشی مردان اکثریت شرکت کننده ها را تشکیل می دهند (۴۲). ویلجالمسون و جانسدوتیر (۲۰۰۳) در پژوهشی به منظور بررسی تفاوت های جنسیتی در فعالیت های بدنی به این نتیجه رسیدند که در دو سطح فعالیت های سبک و فعالیت های سنگین جسمانی بین مردان و زنان تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق آنان نشان داده است که زنان بیشتر تمایل به مشارکت در فعالیت های سبک دارند، اما گرایش به فعالیت های سنگین جسمی در بین مردان بیشتر مشاهده می شود (۴۳).

الهام پور و پاک سرشت (۱۳۸۲) با توجه به الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان به این نتیجه رسیدند که از نظر جنسیتی تفاوت های معناداری بین علایق پسران و دختران و نوع و مدت زمان پرداختن به این فعالیت ها وجود دارد. از جمله فعالیت هایی که در بین دختران و پسران تفاوت قابل ملاحظه ای داشت، فعالیت ورزشی بود که نتایج نشان داد به طور معناداری پسران بیشتر از دختران ورزش می کنند (۴۴). عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) در پژوهش خود متغیر جنسیت را در کنار سایر متغیرهای اجتماعی- روانشناختی موثر بر فعالیت بدنی مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که جنسیت با نگرش به فعالیت های بدنی و ورزشی رابطه معناداری ندارد، ولی بین جنسیت و گرایش به ورزش رابطه ای معنادار مشاهده شده است (۳۱). رحمانی و همکاران (۱۳۸۵) نیز به این نتیجه رسیدند که ورزش در بین فعالیت های فراغتی پسران در مرتبه دوم و برای دختران در مرتبه نهم قرار دارد که حاکی از تمایل بیشتر پسران به مشارکت در ورزش نسبت به دختران است (۴۵). در پژوهشی که به وسیله سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱) صورت گرفته است نیز نتایج تحقیق نشان داده که فعالیت های فراغتی مانند ورزش کردن در بین مردان بیشتر از زنان رواج دارد (۴۶).

مطابق دیدگاه بوردیو، سرمایه فرهنگی فرد را نسبت به تاثیرات ورزش آگاه تر می کند و دیدگاه بازتری نسبت به ورزش و مشارکت در فرد به وجود می آورد. بنابراین میزان پایین سرمایه فرهنگی زنان در مشارکت پایین آنها

در فعالیت های بدنی تاثیرگذار است. از سوی دیگر، نظریه پردازان فمینیستی معتقدند که ورزش جنسیتی شده است و ورزش زنان به طور نظام یافته ای به عنوان یک امر ضد ارزشی، تحت فشار قرار گرفته و مورد استثمار واقع شده است (۴۷). شاخه ای از این گرایش که با عنوان فمینیسم مارکسیستی مشخص می شود، بیان می کند که نابرابری های جنسیتی از نظام سرمایه داری، استثمار اقتصادی و طبقات ناشی شده است (۵). بر اساس باور شاخه فمینیسم رادیکال، ورزش به عنوان یک مکان دائمی سرکوب زنان نگریسته می شود. در گرایش فمینیسم سوسیالیستی نظر آن است که نقش دوگانه زنان در شغل و کارهای خانه، بر زمان و علاقه آن ها به ورزش تاثیر می گذارد (۱).

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، گرایش فرد بر رفتار او تاثیر می گذارد. این گرایش می تواند نتیجه خود اثربخشی مثبت فرد از توانایی و احساس موفقیت در انجام کار باشد. همچنین گرایش مزبور می تواند ناشی از دیگران مهم یعنی افرادی باشد که بر رفتار فرد تاثیر می گذارند و در واقع نقش یک مرجع هدایت کننده رفتار را دارند. لذا پدر و مادر، دوستان نزدیک و همکاران یا اهالی محل می توانند میزان مشارکت ورزشی افراد را تحت تاثیر قرار دهند (۴۸). مشارکت در نقش های ورزشی ابتدا توسط تشویق ها و پاداش هایی که افراد از سوی دیگران مهم دریافت می کنند و سپس وجود فرصت های مناسب برای افرادی که در شرایط خاصی اجتماعی می شوند، زمینه را برای پذیرش نقش های ورزشی به طور مثبتی، با برآورد میزان حمایت اجتماعی دریافت شده از سوی دیگران مهم، برآورده می کند. بنابر این تئوری، اگر حمایت اجتماعی بیشتری از زنان برای مشارکت در ورزش انجام شود، مشارکت آن ها افزایش می یابد و در غیر این صورت باعث فقدان مشارکت می شود (۱).

یافته های تحقیق نشان دهنده این است که سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مشارکت در فعالیت های بدنی رابطه مستقیم و معناداری دارد. از نظر پیشینه پژوهش، یافته های این پژوهش با پژوهش های قدسی و همکاران (۱۳۹۲)، نقدی و همکاران (۱۳۹۰) و صدیق سروستانی (۱۳۸۳) که طبق نتایج آن ها بین سرمایه فرهنگی و مشارکت در فعالیت های بدنی رابطه وجود دارد، همخوانی دارد. در بین ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی، بعد تجسم یافته قوی ترین همبستگی را با مشارکت زنان در فعالیت های بدنی دارد. همچنین بعد عینیت یافته، کمترین همبستگی را با مشارکت در فعالیت های بدنی دارد. سرمایه فرهنگی تجسم یافته که در قالب فعالیت هایی مانند تلاش برای کسب علم و دانش بروز می یابد، در وضعیت فعلی جامعه ما و وضعیت دانش محور جهان امروز می تواند یکی از موثرترین عوامل مشارکت زنان در فعالیت های بدنی باشد. در واقع زنان با تمسک به تحصیلات علمی، احتمال مشارکتشان در فعالیت های بدنی افزایش پیدا می کند. لذا یافته مذکور متناسب با انتظار تئوریک پژوهش است. همچنین یافته های این پژوهش با یافته های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، عطارزاده حسینی و سهرابی (۱۳۸۶) و حیدری چروده (۱۳۸۹) همخوانی دارد؛ چون آن ها بر رابطه معنی دار بین تحصیلات به عنوان یکی از عناصر سرمایه فرهنگی با مشارکت در فعالیت های بدنی تاکید داشتند.

با توجه به نتیجه این تحقیق که رابطه معنادار بین سرمایه فرهنگی و مشارکت در فعالیت های بدنی را تایید نموده است، نهادهای مرتبط باید سازوکارهایی برای انباشت بیشتر سرمایه فرهنگی در جامعه و در افراد تعبیه نمایند. به عنوان مثال سازمان های مرتبط با آموزش عالی می توانند با ارائه امکانات کافی، باکیفیت و بهینه به جذب دانشجو بپردازند تا با بالابردن سطح تحصیلات فردی، امکان دستیابی افراد به سرمایه فرهنگی بالاتر را فراهم نمایند، اما چنین اقدامی باید بسیار موشکافانه و با دقت و برنامه ریزی انجام گردد، چرا که صرف امکان تحصیل برای افراد بدون در نظر گرفتن مسائل آینده آن و عدم ایجاد بسترهای مناسب مانند به وجود آوردن تناسب میان

زمینه های کاری و تعداد فارغ التحصیلان، به افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیت های بدنی منجر نمی شود. همچنین در راستای ارتقای میزان سرمایه فرهنگی، سازمان های مرتبط با بخش فرهنگ می توانند اقدام به برگزاری کارگاه های هنری- فرهنگی، تشکیل انجمن ها و نشست های ادبی و ... نمایند. یکی دیگر از راه های بسیار مناسب برای بالابردن سطح فرهنگ به عنوان یک سرمایه در افراد جامعه، گسترش کتابخانه های عمومی در سطح شهرها، ساخت کتابخانه های جدید و تجهیز کتابخانه های موجود و قدیمی تر و بدین ترتیب گسترش فرهنگ کتابخوانی در بین اعضای جامعه است. دولت نیز می تواند با عدم حذف یارانه کتاب، قیمت آن را پایین آورده و امکان خرید کتاب را برای همه اعضای جامعه فراهم سازد.

#### منابع:

1. Ghodsi, A. M., Afsharkohan, J., & Atarod, A. (2013). Study of effective Factors on Participation of Bu-Ali Sinas female students in Sports activities, women's studies (Sociological & Psychological), Vol. 11, No. 2, pp:167-196.
2. Safania, S. M. (2001). How of Free time Pass of Girl Students of Islamic Azad Universities Emphasising on Athletic Activities, Harakat, 9: 127-140.
3. Fathi, S. (2010). Sociological Explanation of Students Sports Participation, Journal of social sciences, Vol. 3, No. 4, pp:145-173.
4. Anvarolkhouli, A. (2003). Sport and Society, translated by Hamid Reza Sheykhi, First Edition, Tehran: Samt Publishing.
5. Baerrel, S. (2000). Feminist Theories of Sport, London, Sage.
6. Pourafkari, N. (1994). Comprehensive Culture of Psychology and Psychiatry, First Edition, Tehran: Contemporary Culture Press.
7. Vaez Mousavi, S. M. K. & Nasri, S. (2004). Study of Demographic, Cultural- Social, Economic and Psychological Properties of Trainers of Country Sport, Tehran: Research of Physical Education and Sports Sciences of Ministry of Sciences, Researches and Technology.
8. Afshani, S. A. Khorrampour, Y. & Mombeyni, S. (2014). Study of Relationship between Cultural Capital and Welfare (Case Study: Students of Yazd University), Cultural Studies & Communication, 10 (36): 255-178.
9. Shrepour, M. & Khoshfar, Gh. (2002). Relationship between Social Capital and Social Identity of Youth (Case Study: Tehran city), Journal of Social Sciences, No. 20.
10. Stons, R. (2000). Big Thinkers of Sociology, Translated by Mehrdad Mirdamadi, Tehran: Markaz Press.
11. Fazeli, M. (2007). Consumption and Life Style, Ghom: Sobhe sadegh Press.
12. Ritzer, J. (1995). Theories of Sociology in Contemporary Era, Translated by Mohsen Solasi, Tehran: Elmi Press.
13. Lareau, A., & Weininger, E. B. (2003) Cultural Capital in Educational Research: A Critical Assessment. Theory and Society, 32, 567-606.
14. Rouhani, H. (2009). Introduction to Theory of Cultural Capital, Journal of Rahbord, 18 (53): 7-35.
15. Devine, E. (2005). Rethinking Bourdieu on Race: A Critical Review of Cultural Capital and Habitus in the Sociology of Education Qualitative Literature. Rutgers University, 28, 1-26.
16. Hayes, E. (2007). On Forms of Capital, available at: [www.answers.com/topic/pierre-bourdieu](http://www.answers.com/topic/pierre-bourdieu).

17. Karkonan Nasrabadi, M., Jafarpour, M. & Arani, Z. (1391). Effective Factors on Cultural Capital in Kashan and Aranobidgo Cities, *Cultural Studies & Communication*, 8 (27): 143-170.
18. Noghani, M. (2009). Influence of Inequality of Cultural Capital on Education Success of Pre-university Students in Access to Higher Education, *Journal of Education*, 23: 87-91.
19. Naghdi, A, Balali, E. & Imani, P. (2011). Cultural- Social Obstacles of Women Partnership on Athletic Activities, *Woman in Development and Politics (Women'S Research)*, 9 (1): 147-163.
20. Zokayi, M. S. (2008). Youth, Body and Culture of Proportionality, *Journal of Cultural Researches*, 1 (1): 117-141.
21. Sedigh Sarvestani, R. (2004). Culture and Inequality of Athletic Behaviors , *Olympic Quarterly*, 12 (1): 89-106.
22. Aghaahlinejad, H. & etal. (2005). Relationship between Physical activity, Physical readiness and Body composition and Social- Economic Status of 15-17 Years Girl Students of Tehran, *Journal of Movement Science & Sport*, 6: 1-14.
23. Parsamehr, M. (2007). Study of Influence of Self-efficacy in Women Partnership in Physical activities (Case Study: Women of Yazd City), *Research Bulletin of Isfahan University (Humanities)*, 28 (7): 17-31.
24. Shafiy, M. (1994). Study of Social- economic Status (ses) of Participant Individuals in Public Sports of Tehran City, *Masters Thesis, Kharazmi University*.
25. Ahmadzadeh, I. (2002). Analysis and Study of Relation of Social- economic Status (ses) of Over 20 years Man Athletes of Zanzan City in Selected sports Threads to Their Operation, *Masters Thesis, Center of Higher Education of Governmental management of Zanzan*.
26. Zangiabadi, A. & etal. (2009). Analysis of Spatial Transmittal of Sport Furniture in Urban Parks and It Influence on Satisfaction and Welcome of Citizenry (Case Study: Isfahan City), *Geography and Environmental Studies*, 1 (2): 15-34.
27. Ramazaninejad, R., Rahmaninia, F. & Taghavi Takyar, S. A. (2009). Study of Motivations of Public Sports Participants in Open Spaces, *Sport Management*, 2: 5-19.
28. Razavi, M. H. & Oshkouh Taheri, R. (2009). Study of Social- economic Status (ses) of Participant Individuals in of Activities of Public Sports of Mazandaran State, *Sport Management*, 5: 21-34.
29. Mazaher Haji Agha, Gh. (2010). Study of Motivation and it Relationship to Social-economic Status of Participants in Morning Sports of Tabriz City, *Masters Thesis, Payamnoor University*.
30. Ministry of Islamic Culture and Guidance. (2002). *Iranian Cultural Behaviors, National Plan*.
31. Attarzadeh Hosseini, S. R., & Sohrabi, M. (2007). Description of Attitude and Orientation of People of Mashhad City into Motion and Sport Activities, *Olympic quarterly*, No. 37, pp:37-48.
32. Heydari Charvadeh, M. (2010). Study of Rate and Causes of Partnership of Tehran Citizens in Public Sport, *Abstract of Selective Articles of the Second National Conference of Development of Citizenship Sport*, Tehran: Deputy of Social and Cultural Affairs of Tehran Municipal.
33. Ehsani, M. & Azabdaftaran, M. (2003). Study of Deterrent Causes of Partnership of Sport Activities of Girl Students, *Olympic*, 11 (4): 34-59.

34. Kashgar, S. & Ehsani, M. (2007). Study of Importance of Deterrent Causes of Tehran Women from Partnership in Social Sport According to Individual Specifications, *Womens' Studies*, 5 (2): 113-134.
35. Eslami Marzankelateh, M. M., Mousavi, S. J., & Khoshfar, Gh. (1393). Relationship between Social Capital and Participation of Women in Sportive Activities (Case Study: Women of Gorgan City), *Management of Social Capital*, 1 (2): 139-159.
36. Trasby, D. (2003). *Econimy and Calture*, Translated by Kazem Farhadi, Tehran: Ney Press.
37. Niazi, M. & Nasrabadi Karkonan, M. (2007). Sociological Explanation of Relationship between Cultural Capital of Family and Social Identity of Youth, 8 (31): 55-80.
38. Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In Richardson.J. (ed) *Handbook of theory and Research for the sociology of education*. New York: Greenwood Press.
39. Alibabayi, Y. & Bayengani, B. (2009). Study of Influence Rate of Economic and Social Capital on Cultural Capital (Case Study: Youth of Paveh City), *Cultural Studies & Communication*, 6 (18): 87-114.
40. Dalir Heravi, N. & Abbaszadeh, M. (2012). Relationship between Social- Cultural Capital and Athletes Life Quality, *Cultural Studies & Communication*, 8 (27): 60-83.
41. Wilbur, J., Miller, A. M., Montgomery, A. & Chandler, P (1998). Womens physical activity patterns: Nursing implications, *JOGNN*, No. 4, pp:383-392.
42. Fox, K., & Richards, L. (2002). *Sport and leisure*, Office for National Statistics publisher, London.
43. Viljalmsson, A., & Jansdottir, G. (2003). Gender differences in physical activity in older children and Adolescents: the central role of organized sport, *Journal of Social Science & medicine*, No. 56, pp:48-57.
44. Elhampour, H., & Pakseresht, M. J. (2003). Study of The Pattern of Spending of Students Leisure time of Shahid Chamran University, *Education and Psychology*, No. 10, pp:39-62.
45. Rahmani, A., Bakhshi Nia, T., & GHavami, S. S. (2006). Role of Sport in Spending of Students Leisure time of Takestan Islamic Azad University, *Quarterly Research on Sport Science*, No. 12, pp:33-50.
46. national organization for youth. (2002). *Study of Leisure Times Situation of Youth*, Tehran: Ahle Ghalam Cultural Institute Publication.
47. Parsamehr, M. (2006). *Study of Effective Factors on Womens' Partnership in Athletic Activities (ase Study: Mazandaran State)*, Phd Thesis, University of Isfahan.
48. Rafipour, F. (1993). *Measurement of Villagers Orientation to Jihad Sazandegi*, Tehran: Center of Researchs and Study of Villagers Issues.